

مهمترین انتقاد وارد بر مطبوعات ایران چیست؟ طبیعی است که هر یک از ما با توجه به نگرشها و باوری که داریم، پاسخی ویژه برای این سؤال ارائه نماییم. اما شاید جالب تر و صحیح تر این باشد که به پاسخی که دست‌اندرکاران مطبوعات مطرح نموده‌اند، دسترسی داشته باشیم. مقاله پیش روی که برگرفته از بخشی از گزارش تحقیقی دکتر مهدی محسنیان‌راد و همکاران ایشان برای مرکز مطالعات و تحقیقات رسانه‌هاست، جوابهای عینی روزنامه‌نگاران را که ناشی از کار مستقیم و مداوم آنها در این زمینه است، فرا روی ما قرار می‌دهد.

در پرسشنامه‌ای که برای بررسی نظرات روزنامه‌نگاران تهیه شده بود، یکی از سؤالات اختصاص به این موضوع داشت و از روزنامه‌نگاران خواسته شده بود تا بگویند که مهمترین انتقادی که بر مطبوعات ایران وارد می‌دانند کدام است؟

مشخصات پاسخ‌دهندگان

در این نظرسنجی دقیق که به شیوه علمی از ۳۱۵ روزنامه‌نگار ایرانی به عمل آمد، ۱۲ درصد از پاسخ‌دهندگان را زنان و ۸۴ درصد را مردان روزنامه‌نگار تشکیل می‌دادند. از این میان ۸۳/۸ درصد از روزنامه‌نگاران شاغل در تهران و بقیه شاغل در شهرستانها بودند. متوسط سابقه فعالیت مطبوعاتی روزنامه‌نگاران در این نظرسنجی ۸/۱ سال بود.

توزیع روزنامه‌نگاران مورد بررسی در انواع نشریات محل اشتغال آنها نیز به این شرح بود: نشریه‌های محلی و ناحیه‌ای مانند روزنامه خراسان ۸/۹ درصد، مجله‌های جنگ عامه مانند اطلاعات هفتگی ۵/۴ درصد، مجله‌های علمی عامه مانند دانستنیها ۵/۱ درصد، نشریات ورزشی ۴/۸ درصد، مجله‌های علمی، علوم انسانی - اجتماعی ۳/۸ درصد، مجله‌های دینی و مذهبی ۳/۲ درصد، مجله‌های علمی - فنی و مهندسی ۳/۲ درصد، نشریات هنری ۲/۵ درصد، نشریات بین‌المللی مانند تهران‌تایمز ۲/۵ درصد، نشریات کودکان و نوجوانان ۱/۶ درصد، نشریات طنز و کاریکاتور یک درصد و روزنامه‌نگاران شاغل در چند نشریه از گروههای فوق ۹/۲ درصد (۶ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند).

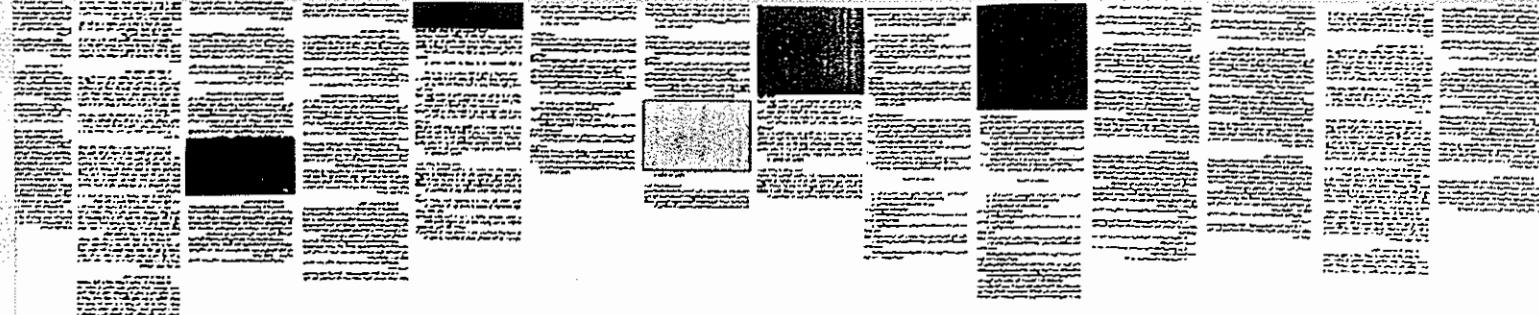
به این ترتیب می‌توان گفت که نمونه آماری، بیشتر نماینده روزنامه‌نگاران حرفه‌ای

است و سهم پیام‌آفرینان مجله‌های تخصصی که در بیشتر موارد این حرفه شغل دوم آنها را تشکیل می‌دهد و به صورت پاره‌وقت کار می‌کنند در نمونه حاضر کمتر از جمعیت آماری است.

از میان پاسخ‌دهندگان ۱۷ درصد نمونه مورد بررسی (۵۴ نفر) دارای تحصیلات دانشگاهی مرتبط با روزنامه‌نگاری هستند. ۲۶۱ نفر بقیه، روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات علوم ارتباطات را دربر می‌گیرند. در این دسته: ۲/۳ درصد کمتر از دیپلم، ۳۷/۹ درصد دیپلم، ۸ درصد فوق دیپلم، ۳۶ درصد لیسانس، ۸/۸ درصد فوق لیسانس، ۱/۹ درصد دکترا، ۱/۹ درصد تحصیلات حوزوی و ۰/۸ درصد (۲ نفر) هم تحصیلات حوزوی و هم دانشگاهی را تشکیل داده‌اند. ۲/۳ درصد به این سؤال پاسخ نداده‌اند.

از میان دارندگان مدارک دانشگاهی، دارندگان مدارک دانشگاهی روزنامه‌نگاری و خبرنگاری ۷/۳ درصد، علوم ارتباطات ۶/۷ درصد، زبان و ادبیات خارجی ۵/۷ درصد، جامعه‌شناسی، مردم‌شناسی و علوم اجتماعی ۴/۸ درصد، رشته‌های فنی - مهندسی ۴/۸ درصد، ادبیات فارسی و زبان‌شناسی ۳/۲ درصد، روانشناسی و علوم تربیتی ۲/۹ درصد، پزشکی و رشته‌های مرتبط ۲/۵ درصد را دربر گرفته‌اند. سایر رشته‌ها نیز کمتر از ۲ درصد را تشکیل می‌دهند.

# انتقاد روزنامه‌نگاران از مطبوعات



۳۴/۱ درصد از روزنامه‌نگاران فاقد تحصیلات مرتبط با حرفه نیز دوره‌های کوتاه‌مدت آموزش روزنامه‌نگاری را گذرانده‌اند. با توجه به اینکه ۹۰/۸ درصد از روزنامه‌نگاران به این سؤال پاسخ داده‌اند، می‌توان دریافت که این مسأله برای آنها از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده است چرا که چنین نسبتی در پاسخ به سؤال باز بندرت در نظرسنجی‌ها بدست می‌آید.

در پاسخهای به‌دست آمده، موضوع نگرش، عقیده و معرفت به چشم می‌خورد؛ نگرشهایی که دلیلی در پس آنها نیست، عقایدی که بر مبنای دلایل به نسبت محکمتری بیان شده‌اند و معرفتایی که از واقعیت ریشه گرفته‌اند. هرچند تفکیک این لایه‌ها از یکدیگر به‌دستی امکان‌پذیر نیست، اما مهم این است که «روزنامه‌نگاران چنین فکر می‌کنند».

**طبقه‌بندی پاسخها**

پاسخهای بدست آمده را می‌توان در ۴۲ مقوله جای داد. در این میان خودسانسوری و سانسور، کلیشه‌ای بودن محتوی، کمبود روزنامه‌نگاران مستخصص، خطی و سیاسی شدن مطبوعات، بی‌توجهی به بازخورد در ارتباط مطبوعات با مردم، عدم رعایت اصول روزنامه‌نگاری از سوی مطبوعات و تجاری شدن مطبوعات از مهمترین انتقادهایی هستند که از سوی ۱۳ تا ۵ درصد از روزنامه‌نگاران مطرح شده‌اند.

با وجود اینکه فراوانی و درصد موارد همچنان از اهمیت برخوردار است، اما با توجه به باز بودن سؤال، ضروری است که تک‌نظرها نیز مورد توجه قرار گیرند. به این منظور کلیه انتقادات، تعداد فراوانی و درصد آنها به تفکیک بیان می‌شوند:

درصد	تعداد	موضوع
۱۳/-	۴۱	— خودسانسوری و سانسور
۱۲/-	۳۸	— کلیشه‌ای بودن محتوای مطبوعات و نبود خلاقیت
۹/۵	۳۰	— کمبود روزنامه‌نگار متخصص
۸/۹	۲۸	— خطی و سیاسی شدن مطبوعات
۷/۳	۲۳	— عدم شناخت سلیقه‌ها و نیازهای خوانندگان و ناتوانی در دسترسی به بازخورد
۶/۷	۲۱	— عدم رعایت اصول روزنامه‌نگاری
۵/۴	۱۷	— تجاری و تبلیغاتی شدن مطبوعات
۴/۸	۱۵	— عدم توجه روزنامه‌نگاران به مسائل واقعی جامعه
۳/۸	۱۲	— عدم امنیت شغلی روزنامه‌نگاران
۳/۵	۱۱	— تنبلی خبرنگاران و متکی بودن به اخبار خیرگزارها
۲/۹	۹	— اعمال سلیقه در محتوای مطبوعات، و محدودیت روزنامه‌نگاران
۲/۵	۸	— جهت‌گیری مطبوعات علیه یکدیگر و فقدان رقابت سالم
۱/۶	۵	— پایین بودن سطح کیفیت و ظاهر مطبوعات
۱/۳	۴	— فقدان شجاعت در روزنامه‌نگاران
۱/۳	۴	— نبود سندی‌کای حرفه‌ای
۱/۳	۴	— عدم اشتغال حرفه‌ای روزنامه‌نگاران
۱/-	۳	— بی‌توجهی روزنامه‌نگاران به اهمیت شغلشان
۱/-	۳	— عدم تفکیک حوزه‌های خبری برای روزنامه‌نگاران
۱/-	۳	— محرومیت روزنامه‌نگاران از پایگاه اجتماعی بالا در جامعه
-	۲	— تبدیل شدن روزنامه‌ها به بولتن خبری
-	۲	— نهادی شدن مطبوعات
-	۲	— مطبوعات بیشتر خبری هستند تا تفسیری
-	۲	— یکی شدن مفهوم خبر و تبلیغ
-	۲	— دولتی بودن برخی از روزنامه‌ها
-	۲	— عدم دسترسی به منابع جهانی اطلاعات
-	۲	— وجود ارتباط یکسویه در مطبوعات
-	۲	— بی‌اعتمادی مردم به مطبوعات
-	۲	— اعطای امتیاز انتشار به افراد، بدون توجه به سوابق آنان
-	۲	— کثرت مطبوعات موجود
-	۱	— نبود فرهنگ صحیح انتقاد
-	۱	— رابطه‌ای شدن مدیریت مطبوعات
-	۱	— فقدان ارتباط میان مراکز تحقیقاتی و مطبوعات
-	۱	— بی‌توجهی به نیروهای متخصص
-	۱	— کمبود نشریات تخصصی
-	۱	— گرایش روزنامه‌نگاران به مادیات
-	۱	— غلط بودن نظام توزیع مطبوعات
-	۱	— بی‌صلاحیتی برخی از مدیران مطبوعات
-	۱	— عدم ارائه به‌موقع خبر
-	۱	— بی‌هدف بودن مطبوعات
-	۱	— چاپ اخبار از منابع غیرموق
-	۱	— عدم استناد از وسایل پیشرفته ارتباطی
-	۱	— عدم نظارت وزارت ارشاد بر مطبوعات

برای آشنایی بیشتر با نظر روزنامه‌نگاران، نمونه‌هایی از نظرهای نوشته شده آنان بیان می‌شود. در نقل قولها، تلاش بر حفظ سبک نگارش و واژه‌های به کار گرفته شده از سوی نویسندگان بوده است؛ چراکه از لابه‌لای همین واژه‌هاست که می‌توان به عمق احساس و نگرش پاسخ‌دهندگان پی برد.

برای جلوگیری از طولانی شدن مطلب، از تکرار نوشته‌های ۱۳۸ روزنامه‌نگار که مفاهیمی تقریباً مشابه با دیگر مطالب بیان شده ارائه کرده بودند، خودداری شده است. نمونه‌هایی از نظر روزنامه‌نگاران بدون تحصیلات مرتبط با حرفه

«عدم مرزبندی، آلوده شدن تقدس مفاهیم و به کار بردن آنها در جای غیر خود، فقدان آگاهی‌های عمومی و تخصصی، وضعیت اقتصادی موجود، عدم تفاهم بین صاحب‌امتیازهایی که گاه از روزنامه‌نگاری هیچ نمی‌دانند و روزنامه‌نگاران مشغول به کار در نشریه، وجود سلیقه‌های گوناگون و باری به هر جهت بودن کسانی که خود را روزنامه‌نگار می‌پندارند و...»

«بایستی در بین مطبوعات یک وحدت استراتژیک وجود داشته باشد. بدین معنی که در دفاع از کیمان اسلام و تمامیت ارضی و منیت ایرانی و تحکیم وحدت بین مردم کوشا باشند. سلیقه‌ها و نظرات مختلف بایستی در چارچوب امر مذکور مطرح شود نه تنها از تشنج‌آفرینی در جامعه پرهیز گردد بلکه در جهت قوام و وحدت جامعه حرکت صورت پذیرد. بایستی از رهبری اطاعت نظری و عملی داشته باشند.»

«تشابه محتوایی بسیاری از مطالبی که چاپ می‌کنند، عدم توجه به کیفیت ارائه مطالب و چگونگی عرضه (در برخی از مطبوعات) بی‌توجهی به گروه سنی مخاطبین

در برخی از مطبوعات. نبود تنوع لازم از حیث محتوا و شکل در برخی از مطبوعات.»

«تعداد کم خبرنگاران متخصص»  
«نبودن فضای آزاد برای روزنامه‌نگار و محدود کردن او در یک چارچوب و کمبود نیروی انسانی متخصص و آگاه در این رشته که یکی از اشکالات عمده روزنامه‌نگاری کشور ماست و مشکلات بعدی روزنامه‌نگاری نیز حول همین محور می‌چرخد.»

«بی‌کیفیت بودن مطالب، عدم ارزش‌گذاری به شخصیت افراد در مطبوعات، عدم وجود مدیریت در اکثر نشریات و شاغل بودن افراد بی‌صلاحیت.»

«عدم کیفیت چاپ و جاذبه‌های لازم در مقایسه با نشریات خارج.»  
«خواست اصلی خوانندگان را مد نظر قرار نمی‌دهند.»

«شاید بتوان کثرت انواع مطبوعات را بزرگترین انتقاد بر مطبوعات دانست. مثلاً در زمینه ورزش در کشور ما انواع و اقسام نشریه وجود دارد که با اسمهای رنگارنگ، همه یک مطلب را می‌نویسند.»

«بزرگترین انتقادی که بر مطبوعات ایران جدای از کیفیت کاغذ می‌توان بدان اشاره کرد، همسانی خبرها با رادیو و تلویزیون است که می‌توانند خبرها را زودتر از مطبوعات به مخاطبان ارائه دهند و همچنین کمبود گزارشهای تحقیقی است. از طرفی مطبوعات هم‌اکنون سخنگوی مسئولانی شده‌اند که دائماً حرفهای یکسان می‌زنند و حرفهایشان هم برای مخاطبان تکراری شده است. مشکل

دیگر سانسوری است که بنا به دلایل مختلف بر هر گزارش و یا خبری که جنبه انتقادی داشته باشد از سوی مسئولان به عنوان مسائلی که مغایر با مصالح است، اعمال می‌شود.»

«تمام مطالب خود را صرف مطالب سیاسی می‌کنند.»

«لازمه انتقاد صحیح از یک موضوع، احاطه داشتن بر کیفیت آن است در حالی که بنده اعتراف می‌کنم که آگاهی لازم را برای تشخیص خوبی و بدی مطبوعات ندارم.»

«کمبود احساس مسئولیت در برابر خوانندگان یکی از این موارد در خور انتقاد است و اما نه «بزرگترین!» آنها...»

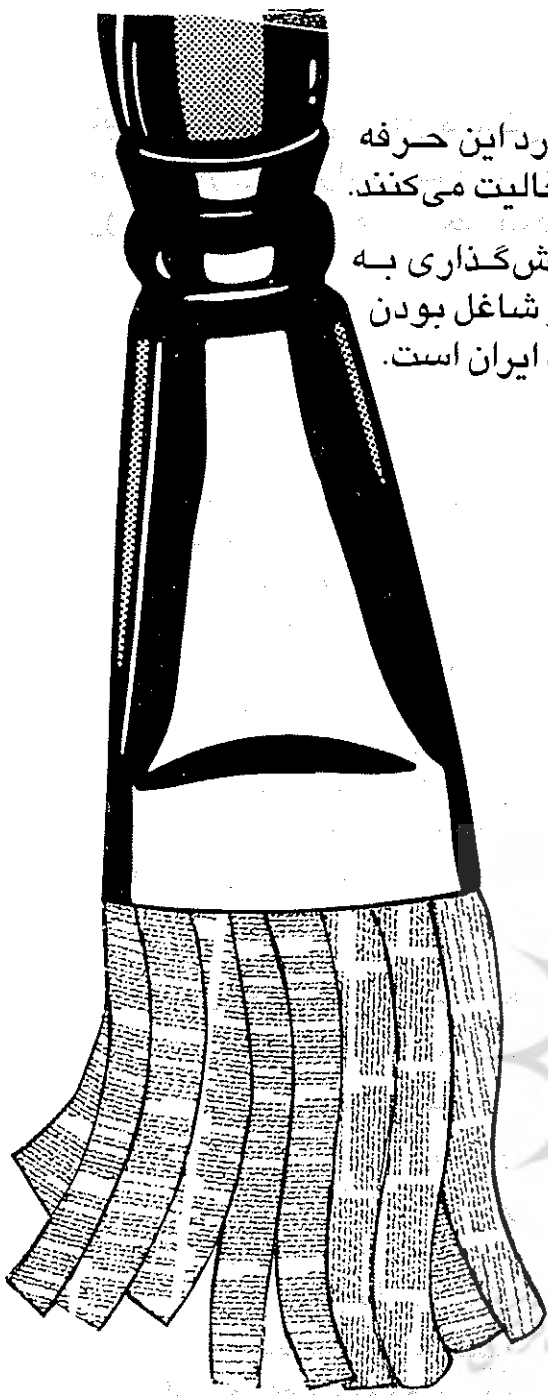
«نبودن تأمین کافی برای کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند که نتایج باعث می‌شود که بسیاری از افراد با استعداد که می‌توانند در این رشته فعالیت مفید و پرثمر داشته باشند رویگردان شوند و به حرفه‌های دیگر روی آورند.»

«سخن بسیار است، گر نویسم مثنوی هفتاد من کاغذ شود.»

«از نظر شیوه نگارش و قواعد دستوری و مسائل ویرایشی و تیترونیسی و ... رعایت کلیه جوانب را نمی‌کنند و در صفحه‌آرایی نیز فاقد ابتکارات جالب و جاذب هستند.»

۱. دور بودن از مردم و مسائل آنان
۲. در خدمت مسئولان بودن
۳. بیش از اندازه سیاسی بودن
۴. استفاده از هر نیرویی تحت عنوان خبرنگار یا روزنامه‌نگار
۵. فراری دادن مردم از مطالعه روزنامه‌ها

**مفهوم خبر با تبلیغ در مطبوعات یکی شده است و هیچ نوع مرزبندی بین این دو موضوع دیده نمی‌شود، در صورتی که روزنامه‌نگاری علمی اقتضا می‌کند که بین دو مقوله فوق کاملاً تمایز قائل شویم.**



پیام آفرینان مجله‌های تخصصی که در بیشتر موارد این حرفه شغل دوم آنهاست، معمولاً به صورت پار ه وقت فعالیت می‌کنند.

یک روزنامه‌نگار: بی‌کیفیت بودن مطالب، عدم ارزش‌گذاری به شخصیت افراد در مطبوعات، عدم مدیریت در اکثر نشریات و شاغل بودن افراد بی‌صلاحیت عمده‌ترین انتقادات وارد بر مطبوعات ایران است.

در آینده بسیاری از مشکلات و معضلات جامعه را برطرف نماید».

- برای نوشته‌هایشان هیچگونه منبع و مأخذی ندارند، در مطالب اقتصادی به آمار و اطلاعات دریافتی به هیچ وجه تکیه نمی‌کنند و هرچه دلشان می‌خواهد می‌نویسند، بدون اینکه هیچگونه مدرکی ارائه دهند».

- «مطبوعات فعلی کمتر به بیان مسائل جدید جامعه می‌پردازند. در حالی که طرح مسائل تازه یکی از مهمترین وظایف مطبوعات است. زیرا کار مطبوعات طرح مسأله است و یافتن پاسخ به عهده مسئولان. بهتر است همکاران روزنامه‌نگار به این نکته توجه بیشتری نشان دهند».

- «رقابت خبری در میان مطبوعات ایران، چندان محسوس نیست، به نظر می‌رسد که اخبار همه آنان مثل یکدیگر است و تفاوت فاحشی در داده‌های آنها نمی‌توان دید. در مطبوعات تخصصی، بخصوص مجلات علمی نیز روی صحت مطالب توجه لازم وجود ندارد».

- «یکی از بزرگترین انتقادات بر مطبوعات ایران بی‌هدف بودن بدین معنی که آنها بی‌هیچ هدف مشخصی حرکت می‌کنند. آنها فقط مطالبی می‌خواهند که صفحات روزنامه یا مجله پر شود و دیگر هیچ، در حالی که جامعه سالمه ما تشنه مطالبی است که عطرش سبیری‌ناپذیر آن را فرو نشاند و هدف مطبوعات باید پاسخ به نیاز قشرهای مختلف مردم باشد».

- «عدم ارج نهادن به نیروهای فعال مطبوعات و ایجاد میدان فعالیت به میزان استعداد و لیاقت هر فرد که باعث ایجاد انگیزه تلاش بیشتر در بین پرسنل نشریات می‌شود و رعایت برخی محدودیتها در چاپ و انعکاس اخبار».

(به دلایلی که در بالا اشاره شد).

- «در درجه اول باید این نکته را یادآور شویم که مسئولین ما در مراکز تحقیقاتی و علمی کشور، همکاری لازم را با مطبوعات ندارند و در نتیجه این موضوع باعث می‌شود که مطبوعات از واقعیتها کمی دور باشند».

- «در زمینه تهیه گزارشهای مفید اقتصادی و علمی کمتر کار می‌کنند و بیشتر به تبلیغ و کسب درآمد از راه آگهی فعالیت می‌کنند تا شناخت و درک مشکلات اجتماعی و اقتصادی».

- «عدم صراحت».

- «فقدان کادرهای ورزیده، نداشتن نمایندگی‌های خبری در نقاط مختلف جهان و لزوم استفاده از منابع خبری بیگانه، نداشتن تشکل صنفی نیز اگر چه انتقادی بر جامعه مطبوعات به نظر می‌رسد اما از دیگر سو نباید شکل‌گیری «نخبگان صنفی» را در صورت تشکیل اتحادیه صنفی از نظر دور داشت که خود می‌تواند به یک «انتقاد بزرگ» تبدیل شود».

- «به نظر من بزرگترین انتقاد بر مطبوعات ایران این است که همواره حقایق را بیان نمی‌کنند، این امر باعث بی‌اعتمادی مردم نسبت به مطبوعات می‌شود و بر اثر خلاء ایجاد شده، گرایش جامعه به مطبوعات خارجی و اخبار بیگانه افزایش می‌یابد از سوی دیگر موجب خودمحوری مسئولین کشور می‌شود که بدون نگرانی از انتقاد مطبوعات، بتوانند اشتباهات خود را تکرار کنند. هیچگاه نباید فراموش کرد که رسالت اصلی مطبوعات در آشکار کردن نقاط ضعف مسئولین است تا از این طریق مسئولین تلاش نمایند و هرچه بهتر خدمت کنند و جامعه را به سعادت برسانند. انتقاد سازنده که در مطبوعات ایران جایگاهی ندارد - می‌تواند

نبودن تأمین کافی برای کسانی که در این رشته فعالیت می‌کنند باعث می‌شود که بسیاری از افراد با استعداد که می‌توانند در این رشته فعالیت مفید و پربار داشته باشند رویگردان شوند و به حرفه‌های دیگر روی آورند.

- «مفهوم خبر با تبلیغ در مطبوعات یکی شده است و هیچ‌نوع مرزبندی بین این موضوع دیده نمی‌شود، در صورتی که روزنامه‌نگاری علمی اقتضا می‌کند که بین دو مقوله فوق کاملاً تمایز قایل شویم».

- «بزرگترین انتقاد بر مطبوعات، عدم جلب اعتماد خواننده نسبت به ارائه خبر است. بعد از ۱۳۰ سال که از انتشار اولین روزنامه ایرانی بنام کاغذ اخبار می‌گذرد هنوز مردم نسبت به اخبار و مطالب مطبوعات اعتماد کاملی نشان نمی‌دهند. فقط طی یک مدت کوتاه آن هم در جریان

**زمانی که در یک جامعه پایگاه مطبوعات ناشناس باشد، روزنامه‌نگاری که در درون آن قرار دارد نیز خارج از این قاعده نیست. ارتقاء این پایگاه ابتدا در شناساندن صحیح این حرفه به توده مردم و دیگر منابع خبری و سپس همت خود روزنامه‌نگار برای ایجاد ارتباط صحیح نهفته است.**

انقلاب اسلامی، روزنامه‌ها توانستند مقبولیت عامه بیابند. لذا بهترین هدف روزنامه‌ها باید جلب اعتماد عمومی و دوری از زدوبندهای خصوصی باشد».

- «بزرگترین انتقادی که بر مطبوعات ایران وارد است تکثیر بی‌رویه و غیرمنطقی مطبوعات است همچنین یکسان بودن اخبار چه از نظر محتوا و چه از نظر فرم که نتیجه وجود سال‌ها کنترل و نظارت بر اخبار و اطلاعات در گذشته است».

- «مطبوعات کشور ما پیش از آنکه بتوانند مسائل متنوع را مورد ارزیابی قرار دهند نماینده طیفهای فکری هستند. آنها در بررسیهای خود گاهی دچار تعصب شده‌اند از این‌رو خوانندگانی که به سادگی به این امر پی برده‌اند نمی‌توانند حسن اعتماد را در خود پرورش دهند. روزنامه‌ها معمولاً بدنبال اعلام خبرهای رادیو و تلویزیون همان خبرها را تکرار می‌کنند و از نقش تحلیل مطالب که وظیفه اصلی آنهاست غفلت می‌نمایند. همچنین دور افتادن از خبرهای اصلی که باعث وجاهت انقلاب می‌شود از دیگر مشکلات روزنامه‌هاست. مجلات نیز اغلب در سطح عامه نبوده از این رو آنها مخاطبان خود را به درستی پیدا نمی‌کنند».

نمونه‌هایی از نظر روزنامه‌نگاران دارای تحصیلات مرتبط با حرفه

- «روزنامه‌نگاران در کشور ما از پایگاه اجتماعی مطلوبی برخوردار نیستند. وقتی که یک مأمور حراست و یا یک محافظ فلان مسؤول کشوری به خود اجازه می‌دهد که به دلایل واهی یا حتی غیرواهی خبرنگاری را در جمع مورد اهانت و حتی ضرب و شتم قرار دهد آیا اسم چنین برخوردی را می‌توان احترام به منزلت خبرنگار در جامعه گذاشت.

به‌راستی چه دلیلی دارد که یک مأمور حراست به خود چنین اجازه‌ای دهد؟ چون که منزلت، خبرنگار برای او تبیین نشده است و هیچگاه بخاطر برخورد ناخوشایندش مورد سرزنش مسؤول بالاترش قرار نگرفته است. طبیعی است که توهین به خبرنگار را به مراسم گسترده که با حضور جمع کثیری از مردم برگزار می‌شود نیز می‌کشاند. ایکاش مسؤولان امر به خود زحمت می‌دادند و این امر را برای مردم به‌ویژه و حداقل برای محافظان خویش توجیه می‌کردند».

- «زمانی که در یک جامعه پایگاه مطبوعات ناشناس باشد، روزنامه‌نگاری که در درون آن قرار دارد نیز خارج از این قاعده نیست. ارتقای این پایگاه، ابتدا در شناساندن صحیح این حرفه به توده مردم و دیگر منابع خبری، و سپس همت خود خبرنگار برای ایجاد ارتباط صحیح با این منابع نهفته است».

\*\*\*

در یک جمع‌بندی از آنچه روزنامه‌نگاران نوشته‌اند می‌توان دریافت که از دید آنان کلیشه‌ای بودن محتوای مطبوعات و نبود خلافت، سایه‌افکنی خودسانسوری، کمبود متخصص در زمینه روزنامه‌نگاری و عدم استفاده درست از نیروهای موجود، تجاری و تبلیغی شدن مطبوعات، بی‌توجهی مطبوعات به مسائل واقعی جامعه، خطی و سیاسی شدن مطبوعات و عدم شناخت نیازهای خوانندگان، مهمترین انتقادهای وارد بر مطبوعات ایران را تشکیل می‌دهند، که در مورد هرکدام، دست‌کم ده روزنامه‌نگار توافق داشته‌اند. انتساب «ناهنجاری» به حرفه را می‌توان به خوبی از صفاتی برشمرد که از سوی روزنامه‌نگاران به کار رفته است.

- «پاسخ به این سؤال نه چند سطر شاید نیازمند نگارش مقالات و کتابهای متعددی در

**روزنامه‌نگاران در مورد سهم خود در وضعیت موجود مطبوعات، معتقد بودند که حاصل کار آنان مطالب خشک و تکراری است، با مباحث تخصصی حرفه خود ناآشنا هستند، از مسائل اجتماعی اطلاع کمی دارند و با این مسائل به صورتی سطحی برخورد می‌کنند، از اهمیت حرفه خود اطلاع ندارند و...**

است، خودسانسوری می‌کنند، با مباحث تخصصی حرفه خود ناآشنا هستند، از مسائل اجتماعی اطلاع کمی دارند و با این مسائل به صورتی سطحی برخورد می‌کنند، از اهمیت حرفه خود اطلاع ندارند و...

اتفاق نظر نسبی روزنامه‌نگاران درباره پایین بودن پایگاه اجتماعی روزنامه‌نگار در ایران نیز لابه‌لای نوشته‌های آنها در توصیف «روزنامه‌نگار» - یعنی به عبارتی «خود» آنها - مشخص می‌شود. برخی از صفاتی که آنها به روزنامه‌نگاران نسبت داده‌اند به شرح زیر است:

بی‌هویت، بی‌قوت، بی‌دقت، سرگردان، بی‌منزلت، بی‌باور به خود، عنصری منکوب، آدمی مقهور، قلم به مزد، فضول، سخن‌چین، مغضوب مردم و مسؤولان، منفعل، منزوی، مهره، میرزا بنویس، آسیب‌پذیر، پسته بر آب ریز، بی‌صلاحیت، بی‌مسئولیت، ناصادق، خودسانسور، کاتب، اسلانوئیس، خسته، بی‌جرات، بی‌شهامت، سست، چندشغله، سودجو، عافیت‌طلب، کم‌سواد، بی‌ایمان، بی‌جوهر، شتابزده، بی‌فهم، بی‌علم، غرض‌ورز، یبندباز، بی‌حوصله، بی‌انگیزه کم‌کار، مسئولیت‌ناپذیر، سطحی‌نگر، پنهان‌کننده حرف، کلی‌گو، مصلحت‌اندیش، معتقد به باری به هرجهت، سرسپرده، بی‌ابتکار و فاقد صلاحیت، ناآشنا به فرهنگ ایران، فاقد جهان‌نگری، دغدغه‌دار نان و آب، لگدمال‌کننده همکار، دارنده هواهای نفسانی، زندانی فکری گروه‌های فشار، بی‌اعتقاد به مردم، متملق دستگاه حاکم، پنهان‌کننده حرف دل، ملعبه دست دیگران، نگران آینده، مقلد طوطی وار و...

این صفات نشانگر عمق نگرش منفی روزنامه‌نگاران به حرفه و محیط حرفه‌ای روزنامه‌نگاری است. ■

برای آنکه بتوان تصویری دقیق‌تر از این صفات ترسیم کرد، آنها را از لابه‌لای بخشی از نوشته‌ها استخراج و به شرح زیر بازخوانی می‌کنیم:

برخی از پاسخ‌دهندگان، مطبوعات - یعنی سازمانی که عضو آن هستند و در آن کار می‌کنند - را با استفاده از چنین صفاتی توصیف کرده‌اند:

نامشروع، تجارتخانه، مبتذل، تشریفاتی، بی‌تنوع، بی‌کیفیت، تلفنی، بی‌هویت، بی‌هدف، مسادی‌گرا، کور، لال، فلج، تنگ‌نظر، منفعت‌طلب، هر دمیل، نان بیات، بی‌سروسامان، تک‌قطبی، غیرمستقل، تشری لیه و...

تعدادی از روزنامه‌نگاران نیز چنین گفته‌اند؛ جایگاه اخبار غیر موثق، صحنه تسویه حسابهای سیاسی، فضایی بسته و خفقان‌آور ابزار حکومتها، بولتنهای غیررسمی خبرگزاری جمهوری اسلامی، فاقد حرف تازه، درگیر در رقابتهای ناسالم، دارندگان جایگاه متزلزل، ناآگاه از نبض جامعه، در جست‌وجوی آگهی نه شناخت دردهای مردم، بی‌توجه به مخاطبین، سخنگوی مسؤولان، محل تیرهای دروغین و همراه‌کننده، جنجالی و پرهیاهو، ناآشنا با فرهنگ اسلام، فاقد فرهنگ صحیح انتقاد، دارای محتوای از هم گسیخته، کتمان‌کننده حقیقت، جایگاه بی‌تجربه‌ها، بولتن روابط عمومیها، القاکننده جهت‌گیری غلط به مردم، خورندگان نان به نرخ روز، ناقلان خبرهای کهنه، محل انتقام‌گیریها و غرض‌ورزیهای شخصی، جایگاه تبلیغات مستقیم، خانه‌های از پای‌بست ویران و...

از سوی دیگر در بخش‌های دیگری از این تحقیق، روزنامه‌نگاران در مورد سهم خود در وضعیت موجود مطبوعات، معتقد بودند که حاصل کار آنان مطالب خشک و تکراری

این زمینه است به هر حال عوامل زیر از عمده‌ترین انتقادات است:

۱. بی‌اطلاعی روزنامه‌نگاران از دانش و فن و هنر روزنامه‌نگاری

۲. عدم حمایت کامل قانونی از روزنامه‌نگاران و مطبوعات

۳. نبود یک اتحادیه صنفی روزنامه‌نگاری و مطبوعاتی

۴. تک‌بعدی‌نگری و برخورد از زاویه ایدئولوژیکی و تک‌خطی شدن و تبدیل مطبوعات به صحنه تسویه حسابهای سیاسی جریانه‌های مخالف

۵. عدم استفاده از امکانات پیشرفته تکنولوژیکی ارتباطی، همگی موجب شده که مطبوعات نه خواننده مناسبی داشته باشند و نه محتوای قابل‌قبولی، مطبوعات ایران آینه تمام‌نمای جامعه حاضر هستند یعنی فضایی بسته و خفقان‌آور، بی‌رشد، بی‌هنر و مبتذل وجود دارد».

«بزرگترین انتقادات اینها هستند، نداشتن بازخورد از جامعه، عدم شناخت و توجه به افکار عمومی، نداشتن سرعت، کیفیت و محتوای لازم کاری، سلیقه‌ای عمل کردن، دوری از مردم، باندبازی و سیاسی‌کاری، عدم توجه کافی به کار علمی و تخصصی حرفه‌ای، کم‌بها دادن به نیروهای متخصص و توانمند، عدم توجه به آموزش نیروی انسانی و بالا بردن سطح دانشها و مهارتهای حرفه‌ای».

- «مطبوعات ایران برنامه‌ریزی درستی ندارند و تمام نقش‌ها به یک روزنامه‌نگار داده می‌شود، مثلاً گزارشگر یک‌بار در مورد مسائل اقتصادی و بار دیگر در مورد مسائل اجتماعی گزارش تهیه می‌کند و مسلماً مسائل مطرح‌شده سطحی خواهد بود. در واقع مطبوعات ما یک مطبوعات سطحی و کم‌عمق و محتواست».